

تجزیه سیستان در آستانه انقلاب مشروطه

۱۸ فروردین ۱۳۹۴ ساعت ۲۰:۲۷

در شوال ۱۳۲۰ ق / ژانویه ۱۹۰۳ م هیئتی به فرماندهی کلنل آرتور هنری مک ماهون از طرف انگلستان برای تعیین تکلیف آب هیرمند و رفع اختلاف ایران و افغانستان وارد سیستان شد. قرار بود کار این هیئت سه چهار ماه بیشتر طول نکشد و پس از خاتمه کار به سرعت ایران را ترک کنند. اما بیش از سه سال به بهانه حل اختلاف در سیستان ماندند و بالاخره در ربیع الثانی ۱۳۲۳ ق / ژوئن ۱۹۰۵ م ایران را ترک کردند.

گرچه مأموریت مک ماهون به ظاهر حل اختلاف ایران و افغانستان بود اما تأمین منافع استعماری انگلستان هدف اصلی او محسوب می‌شد. سیستان در آن تاریخ اهمیت ویژه‌ای داشت زیرا کلید هندوستان بود و انگلستان حاضر نبود چنین کلیدی در اختیار کشورهای استعمارگر دیگر قرار گیرد. از سویی روسیه به استناد تقسیمات استعماری اواخر قرن ۱۹ م حیطه اقتدارش را تا مرزهای خراسان گسترده بود و برای رسیدن به خلیج فارس و هندوستان بایستی از سیستان می‌گذشت و از سویی دیگر آلمان قدرتی تازه در اروپا یافته بود و سهم بیشتری از جهان را مطالبه می‌کرد. از این رو بی‌توجه به تقسیمات قبلی جهانی روابطش را با ایران گسترش داده بود.

با توجه به این دو خطر، انگلستان برای جلوگیری از نفوذ روسیه و آلمان در هند و در سطح جهانی به مذاکره و معامله پرداخت، انگلستان اختلافات دیرینه اش را با فرانسه کنار گذاشت و معاهده دوستی میان آنها بسته شد. با ژاپن نیز معاهده دوستی امضا کرد. با این ترفند توانست روسیه را محصور کند و او را وادارد تا به مذاکراتی تن دهد که چند سال بعد به نتیجه رسید و به معاهده ۱۹۰۷ مشهور شد.

انگلستان علاوه بر اقداماتی که در سطح جهانی برای حفظ هند انجام داد، نیروی نظامی مشتمل بر کارشناسان نظامی، اطلاعاتی، کشاورزی و آبیاری را به ریاست مک ماهون در مرز سیستان آماده کرد تا در صورت لزوم سیستان را تصرف کنند. اقدام دیگر انگلستان تحریک افغان‌ها به ایجاد درگیری در مرز سیستان با ایرانیان بود، زیرا با بروز درگیری میان افغانستان و ایران فرصتی برای مداخله مستقیم انگلستان فراهم می‌شد. این حق مداخله را انگلستان بر اساس قرارداد پاریس در ۱۸۵۷ م / ۱۲۷۳ ق به دست آورده بود.

طبق این قرارداد هرات را از ایران جدا کردند و مقرر شد هرگاه اختلافی میان ایران و افغانستان پیش بیاید هر دو کشور به حکمیت انگلستان متوسل شوند. مفاد این عهدنامه دست ایران را برای دفع تجاوز افغانستان در مرزهای شرقی ایران بست، انگلستان در قرن نوزدهم میلادی به استناد همین عهدنامه گلد اسمیت را روانه ایران کرد و با حکمیت او بخش‌هایی از بلوچستان ضمیمه بلوچستان انگلیس شد. در سیستان نیز قسمت راست رود هیرمند را به افغانستان بخشید.

انگلستان در تعیین حدود ایران و افغانستان استخوان را لای زخم باقی می‌گذارد تا در موقع لزوم از آن بهره گیرد. حکمیت گلد اسمیت هم نقطه پایان اختلافات دو کشور افغانستان و ایران نبود. به همین دلیل در ۱۹۰۲م / ۱۳۲۰ق به دنبال بروز اختلاف میان مرزنشینان افغانی و سیستانی و خراب کردن سد آبی در سیستان توسط افغانستان، دولت ایران که اجازه برقراری امنیت و دفع دشمن را در مرز نداشت از انگلستان تقاضای حکمیت در مورد آب هیرمند را کرد. دولت انگلیس هم بدون تعلل مک ماهون را روانه ایران ساخت.

قبل از رسیدن هیئت انگلیسی به ایران دولتهای افغانستان و ایران به توافق رسیدند و خواهان لغو مأموریت مک ماهون شدند، اما انگلستان توجهی به تقاضای آنها نکرد. مک ماهون مأمور بود که سیستان ایران را به ویرانه‌ای بدل سازد و برای تحقق این هدف پیش از ورود به سیستان میان مردم شایع کردند که انگلستان در سیستان دارای امتیازات زیادی است و برای قابل قبول جلوه دادن این قبیل شایعات کرزن فرمانفرمای هند به سرگرد مک ماهون قبل از عزیمت به سیستان درجه سرهنگی داد. او با سیصد سرباز، صد سوار و دو هزار جمازه سوار هندی و بلوچی و انگلیسی وارد سیستان شد.

تعداد همراهان مک ماهون را حدود چهار هزار نفر برشمرده اند. آنها برای سکونت چادرهایی برپا کردند ولی چون اقامتشان طولانی شد چادرها را به خانه تبدیل کردند. محل اقامت آنها نیز تبدیل به دهکده‌ای انگلیسی نشین شد.

در تعقیب سیاست نابودی سیستان آنها به خرید گندم و ارزاق عمومی با قیمت‌های گزاف پرداختند و با این کار قیمت اجناس را تا چندین برابر در سیستان افزایش دادند.

تجار هندی با کمک انگلیسی‌ها بدون توجه به محدودیت های گمرکی گندم را از سیستان خارج می‌کردند. گرانی اجناس در سیستان مردم فقیر ناحیه را فقیرتر ساخت. تا جایی که حدود سه ماه پس از ورود هیئت مک ماهون شورش در سیستان روی داد که به دستور امین‌السلطان صدراعظم ایران توسط حشمت‌الملک حاکم منطقه و با کمک نیروهای نظامی انگلیس سرکوب شد. این سرکوبی بر تثبیت تصویر اقتدار انگلیس‌ها در منطقه کمک کرد. هیئت همراه مک ماهون بی هیچ رادعی در سیستان به هر جا سر می‌کشیدند، زیرا میرزا عبدالحمید خان غفاری یمین نظام که کمیسر و سرحد دار ایران در سیستان بود با گرفتن رشوه، از انگلیس‌ها آنها را آزاد گذاشته بود و اعتراضات میرزا موسی خان کارگزار وزارت امور خارجه ایران به آزادی عمل انگلیس‌ها راه به جایی نمی‌برد. میرزا نصرالله خان مشیرالدوله نیز به جای توجه به اعتراضات کارگزار به جلب نظر انگلیس‌ها توجه داشت و چون آنها میرزا موسی خان را سد راه می‌دیدند وزیر امور خارجه ایران مشیرالدوله قول برکناری کارگزار را به انگلیس‌ها داد.

هیئت همراه کلنل مک ماهون در مدت اقامتشان در سیستان ارزیابی دقیقی و همه جانبه‌ای از اوضاع سیستان به عمل آوردند و حکام محلی را جذب و مردم را آواره کردند. در نهایت نیز بر خلاف قرار اولیه‌ای که با دولت ایران گذاشته بودند مجدداً به تعیین حدود سیستان پرداختند. دولت ایران از ابتدای تقاضای حکمیت اعلام کرده بود که کار هیئت انگلیسی باید فقط حل اختلافات آبی باشد و هیچ تغییری در حدود معین شده توسط گلداسمیت داده نشود، اما مک ماهون از چارچوب تعیین شده گلداسمیت فراتر رفت و سرحدی تازه تعیین کرد. دو سوم آب هیرمند را هم به افغان‌ها داد. در واقع او حکم نابودی سیستان را صادر کرد. حکم او با مخالفت دولت ایران روبه‌رو شد. از طرف دیگر از ذیقعد ۱۳۲۲ قمری سلطان عبدالمجید میرزا عین‌الدوله سکان اداره مملکت را به دست گرفته بود. بیگانه‌ستیزی از وجوه آشکارش بود و انگلیس‌ها بدان وقوف کامل داشتند. بنابراین به تکاپو افتادند تا قبل از تثبیت قدرت عین‌الدوله کارها را یکسره کنند

مک ماهون در ۴ صفر ۱۳۲۳ هـ.ق / ۱۰ آوریل ۱۹۰۵ م حکمش را صادر کرد و به حضور مظفرالدین شاه فرستاد، اما عین‌الدوله اعلام کرد که آن را نمی‌پذیرد و مدتی بعد رسماً نسبت به حضور مک ماهون در سیستان اعتراض کرد. مک ماهون در ربیع الثانی ۱۳۲۳ ق / ژوئن ۱۹۰۵ م از ایران خارج شد و اعتراضات ایران به حکمیت هرگز راه به جایی نبرد.

انگلیسی‌ها در پاسخ به اعتراضات ایرانی‌ها اعلام کردند تنها مرجع رسیدگی به این شکایات وزیر خارجه انگلیس است که وزیر هم قطعاً رأیی مخالف مصالح انگلیس صادر نمی‌کرد. از طرف دیگر سیر حوادث ایران اوضاع را دگرگون ساخت. تحصن‌ها، تظاهرات و اعتراضات داخلی که به انقلاب مشروطیت منجر شد و پس از آن درگیری‌های داخلی و نبود دولتی مقتدر در کشور برای مدت چند سال تمام مسائل ایران را تحت‌الشعاع قرار داد. انگلیس‌ها نیز موضوع حکمیت را مسکوت گذاردند، اما در سرحدات شرقی قراول گذاشته و نظارت کامل بر اوضاع منطقه داشتند. تکلیف مرزهای سیستان هم تا نیمه اول قرن بیستم مشخص نشده باقی ماند.

منبع: مقاله آریتا لقایی، سایت موسسه مطالعات تاریخ معاصر، بخش مقالات

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۰۰۹/مشروطه-انقلاب-آستانه-سیستان-تجزیه>